



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

بخش دوم

شرو، مسمی در مورد تولید پارچه های نفیس و با ارزش ایران

تار به تار سرژه و ترکیب آن، علاوه بر بزرگ کردن طرح سرژه، پشت و روی سرژه یکسان بیافد تا هر دو روی سرژه در ترمه به چشم بخورد، آن گاه با استفاده از چله کشی نخهای تار به صورت متناوب و پیاده کردن نقشه ضربه متناوب، ترمه های متناوب رفت و برگشت بیافد. وی سپس توانست ترمه هایی با طرح های لوزی به صورت ساده و توری های مرکب یک رو و لوزی های دو رو یکسان و دو روی سبک و سنگین تهیه نماید که انقلابی در تهیه ترمه های جدید و با نمای زیبا به وجود آورد.

غیاث الدین، تنها در مورد پارچه ها ترمه ابداعات ندارد بلکه در پارچه های زربفت و پارچه های حریر شکل دار نیز ابتکاراتی دارد. در تصاویر پارچه های وی، سبک و اسلوب نقاشی رضا عباسی نمایان است و موضوعات تزئینی از قبیل گل، غنچه و... کاملاً مشخص است. در این دوره، دو ابتکار فنی به وجود آمد که مایه پیشرفت هنر نساجی شد. نخست پارچه های چندتایی و دیگر پارچه های مخمل. منظور از

خود این عمل را دگرگون ساخت و طرحی نو ایجاد کرد و عظمت ظاهر و باطن پارچه ها را به به کارگیری روش نو، سرعت بخشید.

غیاث الدین، طرح های موجود را که در آن زمان به کار می رفت از حالت سینه به سینه، به حالت چوب نقشه در آورد، به این ترتیب که با قراردادن شماره هایی روی تخته برای نخ های تار به صورت عمودی و اعداد برای حرکت پود و قرار گرفتن در وسط نخ های تار ثبت نمود. با این کار تمام نقشه ها بر روی تخته های نقشه آورده شد و در کارخانه ها، کارگران برای بافت پارچه های ترمه استفاده نمودند. بعدها، فرانسه با استفاده از این تخته ها و اختراع کاغذ شطرنجی توانست طرح های ترمه را روی کاغذ شطرنجی پیاده نموده و طرح ها را به نام خود ثبت کند.

با این ابتکار غیاث الدین، کار برای بافت ترمه آسان تر شد و در ادامه، دومین ابتکار اجرا شد. وی، ترمه های مورب را از تداخل دو طرح و بزرگ کردن نقشه سرژه ساده و سرژه مرکب به وجود آورد آن گاه به فکر افتاد که از تداخل

طراحی و بافت پارچه در ایران، هزاران سال پیش تا زمان سلسله صفویه بر یک پایه و یک روال انجام می شد که توسط هنرمندان و کارگران پارچه بافی در ایران ابداع شده است، روش بافت آن از پدر به پسر به صورت سینه به سینه انتقال می یافت و بدون تغییر بود.

در زمان صفویه، تحولی در امر صنعت و کارآفرینی با تغییر پایتخت و محکم شدن قدرت حکومتی و امنیت آغاز شد و به دنبال آن، هنرمندان، خطاطان، نقاشان و طراحان دست به دست یکدیگر دادند و تقویت حکومتی و پشتیبانی از سرمایه دار باعث پیدایش اشخاص با فرهنگ و باهوش و خردمند در امر کار فراهم شد و در اصفهان جایگزین نمود.

غیاث الدین یزدی و خانواده اش که همگی مهارت و ذوق بافندگی را داشته و از سرمایه مناسبی بهره مند بودند، نبوغ خود را به کار گرفتند. با توجه به این که طرز بافت و طرح های آنها سینه به سینه منتقل شده بود، غیاث الدین با ابتکارات



ایرانی دارای زمینه سفید است و نقش آنها به نخل‌های بزرگ شباهت دارد. در شال‌های قدیمی، رنگ‌های آبی، قرمز کاربرد بسیاری دارد و هماهنگی شال‌های هندی در آن مشاهده نمی‌شود. شال‌های هندی از حیث رنگ‌آمیزی و خوش‌نمایی بر شال‌های ایرانی برتری دارند.

اعیان و اشراف در زمستان، لباس ترمه می‌پوشند، مخصوصاً شاهان ایرانی در هنگام سال نو برای حکام ایالات و ولایات لباس ترمه می‌فرستند.

این لباس به‌نام خلعت شناخته می‌شد و نشانه آن است که حاکم، یک‌سال دیگر هم باید در محل حکمرانی خود باقی باشد. زنان بزرگان هم از ترمه نیم تنه و تنبان‌های گشاد استفاده می‌کردند. مارکوپولو که در قرن سیزدهم به ایران آمده بود، می‌نویسد «زنان و دختران این دیار در روی پارچه‌های شال، با ابریشم گلدوزی می‌کنند و صورت حیوانات، گل‌ها و مرغان و اشجار گوناگون را به‌صورت زیبایی روی پارچه مجسم

وی با آمیختن سه پارچه به رنگ‌های سبز، قرمز و سفید، تاب‌هایی ایجاد کرد که نه تنها گل‌های ظریف و پرندگان و جانوران بلکه حتی نقش یک جوان درباری در حال استراحت را در بردارد. عجیب نیست اگر غیاث‌الدین، مردی متمول و از مقربان دربار بوده باشد زیرا حتی در پایتخت کشورهای دور مانند هند و عثمانی نیز هنر وی مشتریان خاص خود را داشت.

شال‌های ترمه

ایرانیان به شال‌های ترمه، علاقه خاصی دارند. بزرگان این مملکت از ترمه، لباس و رویه لحاف‌های تزئینی و زین پوش اسب و .. تهیه می‌کردند. اغلب این شال‌ها در کرمان توسط نساجان کرمانی بافته می‌شد و تار و پود آن از موی بز بود. شال‌های کرمانی را می‌توان به سهولت از شال‌های هندی که آنها را شال کشمیر می‌نامند، تشخیص داد. شال‌های

طراحی و بافت پارچه در ایران، هزاران سال پیش تا زمان سلسله صفویه بر یک پایه و یک روال انجام می‌شد که توسط هنرمندان و کارگران پارچه بافی در ایران ابداع شده است، روش بافت آن از پدر به پسر به‌صورت سینه به سینه انتقال می‌یافت و بدون تغییر بود.

پارچه‌های چندتایی این است که در آن، دو یا چند پارچه چنان در هم بافته شده که گویی هر یک مستقل هستند اما به‌نحوی با هم ترکیب شده‌اند که طرح گل و بته را به‌صورت برجسته و روشن جلوه می‌دهد. این طرز پارچه بافی که در آن دست هنرمند بسیار بازتر است، برای ساختن دشوارترین تصاویر به کار می‌رفت. بزرگ‌ترین استاد این هنر، غیاث‌الدین علی یزدی است که می‌توان او را از بزرگ‌ترین اساتید تمام ادوار دانست.



درباریان عموماً از ترمه به صورت روپوش استفاده می‌کردند و به عنوان پیشکش و تعارفی به یکدیگر توجه خاص داشتند. تا زمان امیرکبیر، تمام رجال از ترمه برای خودآرایی و نشان دادن وجهه خود استفاده می‌نمودند.

چهارگوش مخصوص) درآمد. وی به این فکر افتاد که از تداخل یک نقشه سرژه ۱/۳ و یک سرژه ۳/۱ به صورت یک در میان تار و هم‌چنین پود فرد و زوج به ترتیب بالا، سرژه‌ای در روی ترمه پیاده کند که پشت و روی ترمه یکسان و خط‌های مورب سرژه در هر دو روی پارچه به وضوح دیده شوند. با این اقدام، نمای سرژه ایران تغییر کرد و سفارشات اقصی نقاط دنیا را به دنبال داشت.

تفکرات و ابتکارات وی، تمام فاکتورهای رقابتی هندیان را مختل کرد به این ترتیب که آنها از پشم بزهای هیمالیا که ایاف بسیار بلند و ظریف دارند، استفاده می‌کردند اما هنر غیاث‌الدین موجب کساد بازار آنها شد. با استفاده از نخ‌های رنگی در تار و پود ترمه‌ها، نقوش جدیدی در ظاهر ترمه ایرانی به وجود آمد که «ترمه‌های راه راه» نامیده می‌شد که این اقدام از به کار بردن نخ‌های رنگی مناسب به صورت نواری در تارهای پارچه، امکان‌پذیر شد و پارچه ترمه راه راه به بازار آمد و بسیار مورد توجه جهانیان قرار گرفت.



باشد و به ممالکت خارجه نرود که خود بعد از چندی، سرگردان و معطل باشند. امیرکبیر در این فقره، جدّ و جهد بلیغ داشت. شعربافی کاشان، اصفهان و خراسان در عهدامیرکبیر بسیار ترقی کرد. وی فرمان داد که به جای شال کشمیری، در کرمان، شالی بیافند که منسوب به امیر نمایند. اهالی کرمان، شال‌های بافتند که قیت برخی از آنها به طاق‌های صد و شصت تومان رسید و از شال‌های کشمیری کیفیت بسیار بهتری داشت و الحق نیکو از عهده این کار برآمدند.

بانوان درباری و زنان تجار و بازرگانان از ترمه به خصوص شال ترمه، کت و دامن و روپوش‌های بسیار زیبا و فاخر می‌دوختند و به میهمانی می‌رفتند. پرده‌های مهمانخانه‌های بزرگان همگی از ترمه دوخته می‌شد و اطراف هر پرده، ملیله‌دوزی نیز انجام می‌شد و ارزش بسیاری پیدا می‌کرد. لباس پهلوانان و پیشکسوتان ورزشگاه‌ها و زورخانه‌ها نیز از ترمه تهیه می‌شد. روپوش زین اسپان قیمتی نیز از پارچه ترمه پوشیده می‌شدو در اطراف اتاق‌ها، مهمانخانه، مخده یا پستی‌های مخصوصی که روکش آن ترمه بود، قرار می‌دادند.

ترمه‌های دورو

ترمه دورو از ابتکارات غیاث‌الدین یزدی بود که پس از تبدیل نقشه‌های پارچه از حالت ذهنی و سینه به سینه به چوب‌های نقشه (تخته‌های



می‌نمایند.» این پارچه‌های گلدوزی شده به اندازه‌ای ممتاز و جالب توجه هستند که در میان ثروتمندان دست به دست می‌شد و برای پرده، مخده، روی بالش، رویه لحاف و .. مورد استفاده بسیار قرار می‌گرفت. در یزد هم شال‌بافی معمول است اما جنس آن به مرغوبی شال‌های کرمان نیست زیرا اغلب تار و پود آنها از نخ پنبه است.

ترمه و مصارف آن

درباریان عموماً از ترمه به صورت روپوش استفاده می‌کردند و به عنوان پیشکش و تعارفی به یکدیگر توجه خاص داشتند. تا زمان امیرکبیر، تمام رجال از ترمه برای خودآرایی و نشان دادن وجهه خود استفاده می‌نمودند. در این موقع دولت انگلیس با آوردن ماهوت به رنگ‌های مختلف، بازار ترمه و پوشیدن آن را توسط درباریان کساد کردند. بافندگان به امیرکبیر شکایت بردند. وی برحسب معاهده تجارتي که با دولت‌های خارجی بسته شده بود، از آوردن اجناس آنها به ایران منعی نمی‌کرد ولی به حرکات و عادات خود طوری سلوک می‌داشت که کالای خارجی را مردود می‌ساخت و کسی خریدار نمی‌شد. برای جبران خواسته‌های بافندگان، غالباً البسه خود را به پارچه‌هایی قرار می‌داد که در ایران بافته می‌شد. به این دلیل مردم به تأسی از او، محصولات ایرانی خریداری می‌کردند تا همیشه درم و دینارشان به دست خودشان دایر و سایر